
مؤلفه های عزتمندی در بیانیه گام دوم با رویکرد قرآنی و حدیثی

احمد مسعود باختری^۱

چکیده

در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، به سه اصل (عزت، حکمت و مصلحت) در روابط بین‌المللی تأکید شده است. اصل عزتمندی جامعه‌ی اسلامی، در واقع در رأس اضلاع سه‌گانه‌ی فوق‌الذکر قرار دارد. جوامع اسلامی با وجود در اختیار داشتن بخش اعظم منابع طبیعی و نیروی انسانی، قرن‌هاست که با چالش عمده در این زمینه مواجه است، در حالی که آیات متعدد بر عزتمندی مؤمنین تصریح دارد. لذا با توجه به مطلب فوق، این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی به بررسی این پرسش اساسی می‌پردازد که چگونه می‌توان به عزتی که خدای متعال مؤمنین را شایسته‌ی آن فرموده است، نایل شد؛ و مؤلفه‌های حصول آن از منظر قرآن چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیات متعدد قرآن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری، توحید، باور به عزتمندی، تمسک به قرآن و سنت، عدم پذیرش سلطه‌ی کفار، تحکیم وحدت و همگرایی، اقتدار علمی - نظامی - اقتصادی و فرهنگی، عملگرایی و تقوایی، از مؤلفه‌های اساسی نیل به اصل عزتمندی جامعه‌ی اسلامی، و شرط تداوم آن

۱. دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه - واحد گلستان - گرگان.

محسوب می شود.

کلیدواژگان: مؤلفه های عزتمندی، جامعه اسلامی، بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری،

قرآن و حدیث

مقدمه

در منظومه‌ی فکری قرآن، انسان همانگونه که موجودی با کرامت آفریده شده است، فطرت سالم او خواستار عزت نیز می‌باشد. این ارزش متعالی، همانگونه که در هر فرد -بما هو فرد- لحاظ می‌شود، در مقیاس بالاتر مانند: خانواده، قوم، روستا، شهر، کشور، امت و... نیز - برحسب معدل کل آن گروه یا مجموعه - قابل محاسبه می‌باشد. با عنایت به این نکته، قرآن نیز جامعه‌ی اسلامی و مؤمنین را، همانند تن واحد، جامعه‌ای عزتمند توصیف نموده و آنرا شایسته‌ی عزتی فرموده است که مخصوص خدا و پیامبر ﷺ می‌باشد.

عزتمندی یک جامعه بیشتر از هر زمان دیگر، در تعامل یا تقابل با سایر جوامع و ملت‌ها، مطرح می‌باشد. همسو با این نگرش قرآنی، مفسران و اندیشمندان مسلمان همواره بر این امر تاکید دارند، به ویژه مقام معظم رهبری (حفظه الله)، که در موارد متعدد -و به صورت خاص در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب - رعایت اصل عزت جامعه را یکی از اصول سه‌گانه‌ی الزامی در مثلث روابط خارجی، بلکه در رأس آنها، تأکید نموده است. با توجه به این نکته، پرسشی که مطرح می‌شود، اینست که جامعه، چگونه می‌تواند به این عزت نایل آید؛ شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی که بتواند یک جامعه‌ی اسلامی را عزتمند بسازد و این عطیه‌ی الهی را در آن ثابت و پایدار نگهدارد، چیست. آیات قرآن کریم با تاکید بر بیانات و قرائت مقام معظم رهبری، در این زمینه چگونه قابل ارزیابی است.

پژوهش حاضر سعی دارد تا به بررسی پرسش‌های فوق بپردازد. فرضیه‌ی مورد حمایت نگارنده مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، تفاسیر فریقین و دیدگاه مقام معظم رهبری، اینست که توحید/خداباوری، تمسک به ثقلین، وحدت، تقویت بنیان‌های (علمی، نظامی، اقتصادی و سیاسی)، تلاش، عمل‌گرایی، تقوایشگی و امر به معروف و نهی از منکر، از مؤلفه‌های عمده‌ی نیل به عزتمندی جامعه و پایداری آن محسوب می‌شود.

پرداختن به مسئله‌ی فوق و بررسی این موضوع، از مباحث مهم در عصر حاضر به‌شمار می‌رود، زیرا با توجه به افت هزارساله‌ی دانشی و اقتصادی و سیاسی/مدیریتی در جوامع

اسلامی/مسلمان زیست، به مرور شاهد کم‌رنگ شدن عزتی هستیم که خداوند متعال، تحقق آنرا برای مؤمنان وعده داده است؛ و کفه‌ی ذلت/تذلل بیشتر از پیش سنگین‌تر شده است. ازینرو می‌طلبید تا جهت دستیابی به عزتمندی لازم و شایسته‌ی جوامع اسلامی، مؤلفه‌های نیل به این موهبت الهی را، کاوش و تبیین کرد؛ تا بتوان در روشنایی قرآن کریم و با عطف به بیانات مقام معظم رهبری، جوامع و ملت‌های مسلمان را به این شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها، آشنا ساخت.

پیشینه

پیشینه‌ی این تحقیق به صورت عام به صدر اسلام باز می‌گردد، و معمولاً در تفاسیر قرآن، ذیل آیات مرتبط به عزت به آن اشاره شده است، که اکثراً مختصر و پراکنده و یا هم کلی و اجمالی می‌باشد؛ زیرا هر کدام به بخشی از آن پرداخته است. البته برخی تحقیقات معاصر به صورت خاص یا اخص در قالب پایان‌نامه و مقاله و رساله‌های کوچک و حتی یادداشت‌های کوتاه، به برخی از زوایای این بحث پرداخته‌اند. نزدیک‌ترین عنوان با تحقیق حاضر، یک پایان‌نامه‌ی ارشد «العزة فی القرآن الکریم» و سه مقاله با عناوین «عزت از منظر قرآن و سنت»، «عزت و ذلت از دیدگاه قرآن» و «عوامل عزت و ذلت از دیدگاه قرآن کریم» می‌باشد. اما آنچه که وجه تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های قبلی را روشن، و انجام آنرا موجه می‌سازد، نگاه تطبیقی پژوهشی کنونی با عطف به نظریات مقام معظم رهبری مبتنی بر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است، که نوشته‌های پیشین فاقد آن می‌باشد.

مقاله‌ی حاضر از نظر ساختاری/شکلی به سه بخش تقسیم شده، که بخش نخست مفهوم‌شناسی واژگان، بخش دوم بررسی مؤلفه‌های عزتمندی و بخش سوم نتیجه‌گیری و منابع می‌باشد. جهت سهولت و سادگی در مطالعه، عناوین اصلی و فرعی با اعداد ترتیبی، از هم تفکیک شده‌اند. همچنان روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی، و جمع‌آوری مطالب به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و استفاده از پایگاه اینترنتی انجام شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱) معنای لغوی عزت

واژه‌ی عزت/عزتمندی، مصدر ثلاثی مجرد «عَزَّ يَعَزُّ»، به معنای حالت صلابت و نفوذناپذیری می‌باشد، که مانع شکست و مغلوب شدن/مقهور شدن صاحب آن می‌شود؛ به همین دلیل زمین سخت را «ارض عزاز» و گوسفندی را که دوشیدن شیر اش دشوار است، «عزوز» گویند. (فراهیدی، بی تا: ۱/ ۷۶؛ راغب اصفهانی بی تا: ۵۶۳)

ابن فارس در مورد ریشه و اصل معنایی این واژه می‌گوید: «عین و زاء اصل صحیح و واحدی است که بر شدت و قوت و نیز معانی همسان آن از نوع برتری، دلالت می‌کند. (ابن فارس، بی تا: ۴/ ۳۸) همچنان به معنای تفوق، رفعت، امتناع، استمداد، استغناء، شدت و غلبه نیز به کار رفته است. (ن. ک: ابن سیده، بی تا: ۱/ ۷۲؛ مصطفوی، بی تا: ۸/ ۱۱۶-۱۱۷) عزیز به کسی گفته می‌شود که موصوف آن، مقهور و مغلوب واقع نمی‌شود. (راغب اصفهانی، بی تا: همان) عزیز حقیقی خدای متعال است و از حیث اینکه قادر مطلق است، نسبت شکست و مقهور شدن به او تعالی، محال است. البته استعمال آن برای غیر خدا، حیثیت اعتباری دارد، نه ذاتی. (ن. ک: ابن سیده، همان؛ مصطفوی، همان)

واژه‌های رفعت، منعت، قوت، شدت، شرافت، عظمت، کرامت، مشقت، قلت، ندرت، سمو و إباء الضمیم مترادف عزت، و واژه‌ی کبر و غرور از نوع مذموم آن به کار می‌رود. (جابر، ۱۴۳۰ق: ۴۷-۶۴)

۱.۲) معنای اصطلاحی عزت

فخر رازی در تعریف عزت می‌گوید:

«عزت شناخت و معرفت انسان از حقیقت نفس خویش و اکرام آن از قرار دادن در امور زودگذر دنیوی می‌باشد، چنانچه کبر، جهل انسان نسبت به نفس خویش بوده، که آنرا از مقام حقیقی اش تنزل می‌دهد. البته عزت در ظاهر شبیه به کبر/غرور می‌نماید، ولی در ماهیت/حقیقت میان این دو تفاوت است، مانند فروتنی و فرومایگی، که فروتنی ممدوح، اما فرومایگی مذموم می‌باشد، و همینطور غرور مذموم، و عزت ممدوح است.» (فخر رازی،

(۱۴۲۰ق: ۳۰ / ۵۴۹)

علامه طباطبایی در توضیح معنای عزت آورده است: «عزت عزیز، آن حالتی است که به خود گرفته و دست یافتن به وی دشوار شده است، و عزیز قوم هم آن کسی است که بر همه قاهر است، و کسی بر او قاهر نیست، چون مقامی دارد که هر که قصد او را کند، مانعش می‌شوند، و از دسترسی به او باز می‌دارند تا نتواند مقهورش کند... و اگر خدای سبحان عزیز است (و بلکه همه‌ی عزتها از اوست) برای اینست که او ذاتیست که هیچ چیز و از هیچ جهت بر او قهر و غلبه ندارد، و او بر همه چیز و از هر جهت قهر و غلبه دارد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲ / ۱۰)

مصطفوی عزت را برتری و استعلا نسبت به غیر تعریف نموده و می‌افزاید که ممکن است به طریق تکوینی و نفس الامری یا به سبب عوارضی چون کمال، تلاش، دعوا، انتساب و غیره، حاصل شود. (مصطفوی، بی تا: ۸ / ۱۱۴)

مقام معظم رهبری، در تعریف عزت می‌گویند: «عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار می‌کند، و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19996>)

ایشان میان دو اصطلاح عزت ملی و غرور ملی تفکیک قائل شده و عزت را غیر از غرور می‌دانند؛ زیرا غرور/غرر، معنای فریفتگی جاهلانه را رسانده، و غرور ملی مبتنی بر مادیگری می‌باشد، اما عزت ملی تداعی کننده‌ی معنای احساس اعتزاز و شرف می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2521>) همچنان لازم به ذکر است که در نگاه رهبری، ذلت غیر از ضعف است. یعنی ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>)

براساس تعاریف بالا و وجوه مشترک میان آنها، می‌توان در تعریف مفهوم عزت چنین نگاشت: عزت در مقابل ذلت قرار داشته، و آن حس یا حالتی است که انسان مبتنی بر

مبانی و ارزش های متعالی انسانی و فطری، در نفس خویش احساس اکرام نموده و با توجه به نیروی بازدارندگی لازم، در برابر تحمیل های درونی و بیرونی با صلابت ایستادگی کند، طوری که مقهور واقع نه شود.

همچنان جامعه‌ی عزتمند آنست که مبتنی بر شاخصه‌ها و اصول قرآنی، از جهات مادی و معنوی، در موقف مناسب و برتر قرار داشته، و در برابر هر نوع اعمال فشار و تحمیل، مقاوم و شکست‌ناپذیر باشد. البته این غیر از تکبر و خودخواهی است، که آن منشأ در مبانی مادیگری و دنیاطلبی دارد، در حالی که عزتمندی و حیانی مبنا و اساس اش بر تعالی و غایت‌گرایی معنوی و الهی استوار است؛ و مادیات در آن، یکی از معابر و وسایل دستیابی به عزت واقعی محسوب می‌شود.

۱.۳ جامعه‌ی اسلامی

جامعه‌ی اسلامی عموماً در دو معنا کاربرد دارد، یکی آن حالت آرمانی/ایده‌آل است که در تمامی عرصه‌ها بر بنیاد شاخصه‌های قرآن و اسلامی تشکیل شده باشد. (<http://eslahe.com/2905>) معنای دوم آن، عبارت از جغرافیای مسلمان‌نشین یا جوامع موجود مسلمان‌زیست می‌باشد، البته بدون توجه به اینکه چه اندازه عامل به قرآن و اسلام هستند و یا اینکه آن جامعه تا چه حد با اصول و آموزه‌های قرآن کریم سازگاری دارد.

همین تفکیک در سخنان مقام رهبری نیز به وضوح آمده است، زیرا ایشان جامعه‌ی اسلامی را در دو معنای فوق به کار برده‌اند. در غالب بیانات ایشان، استعمال جامعه‌ی اسلامی، به معنای دوم و در واقع همان تعریفی است که در بالا ذکر شد، یعنی جغرافیایی که مسلمان‌نشین‌اند، مگر اینکه قرینه‌ای دلالت بر آن معنای آرمانی در سخنان شان کند.^۱ اما آن جاهایی که منظور جامعه‌ی اسلامی به معنای اول (حالت آرمانی) است،

۱. برای مشاهده‌ی این مطلب، به سخنرانی‌ها و بیانات ایشان در پایگاه اینترنتی رهبری، به لینک زیر مراجعه شود.

تشکیل آن در قدم چهارم (بعد از ایجاد انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و دولت اسلامی) و قبل از ایجاد تمدن اسلامی می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۲۵۵>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۴۷۵>) و آن جامعه ایست که توحید، عدالت، دوری از تنازع و تعارض و تبعیض و امتیازات اشرافی و فساد و آلودگی، برافراشتن شعائر الهی، کمک به مستمندان و نیازمندان، تقوای پیشگی، وحدت، مساوات و... جزء ویژگی‌های اساسی آن بوده و جوهره‌ی اصلی آنرا تعبّد، ایمان و عمل صالح آحاد ملت تشکیل می‌دهد. (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۶۱۲>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۶۱۷۱>)

۲. مؤلفه‌های عزتمندی جامعه‌ی اسلامی

مؤلفه‌های کسب عزتمندی در جامعه‌ی اسلامی، از حیث میزان تاثیرگذاری و شدت و ضعف، به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. مؤلفه‌هایی بنیادی ۲. مؤلفه‌های تکمیلی

مؤلفه‌های بنیادی نقش رکن و ستون را داشته، و در صورت ضعف هرکدام از آنها، عمارت اقتدار و عزت جامعه‌ی اسلامی متزلزل می‌شود؛ و در صورت شکستن، درصد احتمال فروپاشی و شکست آن، بسیار بالا می‌باشد. مؤلفه‌های تکمیلی در جایگاه دوم قرار داشته و نقش مکمل و تفضیلی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، حیثیت حمایتی داشته و پایداری عزت جامعه‌ی اسلامی را در عرصه‌های مختلف، در درازمدت، توسعه می‌بخشد. در مقاله‌ی حاضر قصد بر اینست تا به مؤلفه‌های بنیادی یا اساسی پرداخته شود، و از پرداختن به مؤلفه‌های تکمیلی به دلیل طولانی شدن و اختلافی بودن آنها، صرف نظر می‌شود. مؤلفه‌های اساسی، از حیث اهمیت و جایگاه، به ترتیب زیر، قابل بررسی می‌باشد:

توحید باوری

در منظومه‌ی فکری قرآن، عزّت حقیقی مخصوص خداوند است «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» - «تمام عزت از آن خداست» (یونس: ۶۵؛ همچنان ن. ک: یونس: ۶۵؛ نساء: ۱۳۹) زیرا ذاتی

برتر و قاهرتر از او در عالم وجود ندارد، و او منبع همه‌ی عزت و شرف است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴ / ۱۵۱) عزتمندی خدای متعال، مظهر عالی‌ترین صفات و مثل‌اعلای او تعالی می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ۲۰ / ۳۶۱) چون می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» - «و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است» (نحل: ۶۰)

انحصار عزت به خدای متعال، به معنای نفی عزت طلبی برای غیر خدا نیست، و قرآن طلب آنرا محال نمی‌داند، بلکه ناظر بر این معناست که اگر کسی دنبال عزت است، باید آنرا از مالک حقیقی و صاحب بالذات آن طلب کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۲ / ۱۱؛ ۱۷ / ۲۳) زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» «هر که طالب عزت است، تمام عزت خاص خدا است. (فاطر: ۱۰)

عزت پیامبر ﷺ و مؤمنین، در طول عزت خدای متعال قرار داشته و بالعرض می‌باشد، که منتهی به عزت بالذات می‌شود، و پیامبر ﷺ واسطه و راهنمای رسیدن به آن، میان خدا و مؤمنین است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۶ / ۲۲۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۰ / ۲۴۰) لذا مؤمن می‌تواند بالاصاله و یا بالعرض در جستجوی عزت از خدای متعال باشد. که مسیر آن از ایمان و عمل صالح، می‌گذرد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲۲ / ۲۳۴؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ۲۰ / ۳۷۸)

همچنان خداوند متعال در جای دیگر قرآن، مؤمنین را در کنار اسم جلاله‌ی خویش و پیامبر اعظم اش، عزتمند بیان فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» «عزت فقط از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.» (منافقون: ۸) واژه‌ی «مؤمنین» بیانگر این نکته است که مسلمانان جهت عزتمند شدن، باید شاخصه‌های اصلی ایمان را کسب نموده و در قالب مصداق عینی جامعه‌ی مؤمنین، عرض اندام کنند.

قرآن همانگونه که با روش ایجابی، توحید را راه درست رسیدن به عزت بیان می‌فرماید، با روش سلبی، راه‌های نادرست مانند شرک و کفر و نفاق و فساد را مایه‌ی ذلت بیان فرموده و

آنانی را - که به پندار نادرست شان - از طریق عبادت غیر خدا، در طلب عزت هستند، مورد نکوهش و سرزنش قرار می دهد. (اعراف: ۱۵۲) چنانچه مشرکان می پنداشتند که پرستش معبودان جعلی، مایه‌ی عزت آنهاست: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا» «وبه جای خدا، معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مایه‌ی] عزت باشد. (مریم: ۸۱) اما خدای متعال در رد این پندار غلط آنان فرمود: «كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» - «نه چنین است. به زودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار می کنند و دشمن آنان می گردند» (مریم: ۸۲) واژه‌ی «كَلَّا» ردع و انکار نسبت به پندار غلط مشرکان است که پرستش معبودها را مایه‌ی عزت می پنداشتند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۱۰ / ۵۵۸)

علاوه بر آن، قرآن در مورد زعم منافقین - که کفار را بجای مؤمنین دوستان خویش برگزیده و عزت را نزد آنان می جستند - با عبارت سؤال انکاری و تأکید می فرماید که آنان دچار خطای عظیم شده و عزت فقط از مسیر توحید و خداپرستی میسر است «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ أَيْتَتْنَاهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری عزت حقیقی را از آن خدای متعال دانسته، و در بیانات متعددشان آمده است که آن فقط از طریق توحید، برای بندگان مؤمن میسر است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۵۵>)
 (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۵۳>) همچنان به باور ایشان یکی از پاداش بیعت و استقامت در راه خدا، برخورداری از عزت الهی می باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۹۹۱۷>)
 (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۹۹۹۶>)

باور/ایمان به عزتمندی

نخستین شرط دستیابی به یک شی، باور داشتن و خواستن آن است. در صورتی که روحیه‌ی لازم نسبت به تغییر وضعیت یا دستیابی به چیزی، در فرد یا جامعه وجود نداشته

باشد، راهی را برای جست‌وجو و حصول آن دنبال نخواهد کرد؛ زیرا اراده‌ی انجام یک فعل، مقدم بر فراهم‌آوری اسباب تحقق آن است. (صدرالسادات و حسن شمس اسفندآباد، ۱۳۸۰ش، ۱۳۲) بنابراین، یکی از شرایط دستیابی به عزت، تقویت حس اعتزاز و از بین بردن روحیه‌ی حقارت‌پذیری در اذهان جامعه می‌باشد. یعنی افراد تا از درون، اراده‌ی تحول و عزتمند شدن را نداشته باشند، وضعیت بیرونی آنان بهتر نخواهد شد، چون خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.» (رعد: ۱۱)

اسلام از منابع کافی/غنی در ایجاد انگیزه‌ی عزت‌طلبی بر پایه‌ی توحید و ارزش‌های قرآنی/انسانی برخوردار است، و آیات و روایات فراوان در قرآن و سنت وجود دارد، که انسان را تشویق به احساس اعتزاز و دوری از تذلل می‌کند. چند نمونه آیتی که قبلاً در بحث توحیدباوری گذشت و نیز مجموعه آیات و روایاتی که ناظر بر ظلم‌ستیزی و برپایی قسط و عدالت و مبارزه علیه طغیان‌گران و سلطه‌طلبان است، به صورت بسیار گسترده/عمیق به نفی روحیه‌ی تذلل و ترغیب روحیه‌ی عزت‌طلبی می‌پردازد.^۱ سخن فخر رازی بسیار مناسب این بحث است که گفته است: «چه زیباست صاحب عزتی که کتابی عزیز را بر پیامبری عزیز برای امتی عزیز فرورستاده است.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲/۲۶۴)

مقام معظم رهبری در بیانات متعدد شان، احساس عزت را، از عناصر عمده‌ی کسب عزت واقعی دانسته، و شرط دستیابی به آنرا، اراده‌ی قاطع و مصمم یک ملت فرموده اند. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3531> نکته‌ی دیگری که در سخنان ایشان

۱. ظرفیت مقاله عاجز از نقل آیات و روایات در این باب است، یکی از آیات کلیدی از باب نمونه قرار ذیل است:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. (آل عمران: ۱۳۹)

قابل توجه است، اینکه احساس عزت را مایه‌ی پیروزی، و احساس حقارت را مایه‌ی شکست دانسته و معتقدند که وقتی انسان در وجود خویش، احساس عزت کرد، زیر بار دشمن نمی‌رود؛ و برعکس، وقتی احساس حقارت کند، به راحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار می‌گیرد. (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۴۰>؛

(= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۶۶۴۲>)

این دیدگاه رهبری نه تنها ناظر به افراد - بما هو فرد - است، بلکه متوجه عموم افراد جامعه نیز می‌باشد، و البته برای مسئولان و کارگزاران، بیشتر از دیگران آنرا لازم می‌دانند؛ زیرا از نظر ایشان، علت مقهوریت جوامع، عدم شجاعت و اعتماد به نفس کافی مسئولان آن جوامع می‌باشد. (= <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۹۹۲>) مبتنی نگاه

فوق، مصلحین و مبلغین فکری جامعه را اکیداً توصیه به خودداری از بیان مطالب تکراری و بیدار ساختن حس عزت‌باوری در مردم می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۰۲: بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۳۷>)

۲.۳) تمسک به قرآن و سنت

تمسک به قرآن و سنت، سومین مؤلفه‌ی اساسی رسیدن به عزت است، که در آیات و روایات متعدد، به این مطلب تاکید شده است. تمسک به قرآن و سنت، یعنی اطاعت از احکام و دستورات خدای متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، که در واقع این دو ثقل اسلام، شاهراه‌های اصلی صعود مؤمن به عرش عزت محسوب می‌شود. (ن.ک: مقدشی، ۲۰۱۷م،

(/ <https://ar.islamway.net/article/۷۴۶۲۶>)

مراد از تمسک به قرآن و سنت، رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی مانند: تحکیم وحدت، توسعه عدالت/امنیت/آبادانی، ارتقای سطح دانش و بینش، پرهیز از نزاع/نفاق/تملق و رفتارهای تحقیرآمیز، تساوی در برابر قانون، دوری از ظلم/تبعیض/فساد، امر به معروف و نهی از منکر، و رعایت اصل شایستگی در نصب و

عزل، تعاون در امور خیر و... در زندگی فردی و اجتماعی، می باشد. (حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۴۵؛ جابر، ۱۴۳۰ق: ۲۸۶-۲۹۱)

خدای متعال قرآن را به عزتمندی توصیف فرموده (فصلت: ۴۱) و آنرا کتابی سوی دانای عزیز می فرماید. (زمر: ۱) با توجه به اینکه او تعالی خود عزیز و سرچشمه‌ی نزول برکات و عزت است، لذا چنگ زدن به کتاب او، لازمه‌ی کسب شایستگی عزت می باشد. (<https://www.rslantext.com/Article.aspx?ID=594>)، همچنان دوری از کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ مایه‌ی ذلت است. آنانی که بعد از بعثت به میزانی که متمسک به قرآن و سنت بودند، به همان میزان از عزت و شرف الهی برخوردار بودند، و خداوند ملک و سروری را به آنها بخشید، و برعکس وقتی مسلمانان و مؤمنین، به جای پیروی از قرآن و سنت، بنده‌ی هوا و نفس شدند، ذلت و نگون‌بختی، آنها را فراگرفت و جوامع اسلامی از کاخ عزت به ورطه‌ی ذلت سقوط کردند. (جابر، ۱۴۳۰: ۲۹۰)

طبق فرمایش قرآن، سنت الهی اینست که هر که رو سوی خدا و هدایت او کند، خداوند دست او را می‌گیرد و او را یاری می‌رساند. (حج: ۴۰) همچنان وعده‌ی خداوند است که یاری دهنده‌ی دین اش را، در برابر سختی‌ها و مصائب، ثابت قدم و استوار نگه می‌دارد. (محمد: ۷) آن هم نصرتی که توأم با عزت و شرف می‌باشد. «وَيَنْصُرْكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا» (و پیروزی شکست‌ناپذیری نصیب تو کند) (فتح: ۳) وقتی خدای متعال جامعه‌ای را به دلیل قرآن محوری و ایمان آنها، یاری فرمود، دیگر هیچ‌کسی را یاری غلبه بر آنها نخواهد بود؛ و نیز اگر خداوند فرد یا اجتماعی را با روگردانی از قرآن و سنت، خوار و ذلیل ساخت، دیگر هیچ یاری‌رسانی نخواهد داشت؛ چون وعده‌ی الهی حق است. (آل عمران: ۱۶۰)

در روایت معروف ثقلین نیز بر تمسک به قرآن و سنت تاکید شده است، که بیمه‌ی نجات امت از گمراهی و ضلالت می‌باشد. (ابن انس، ۱۴۲۵ق: ۵ / ۱۳۲۳؛ کلینی، ۱۴۱۷ق: ۲ / ۴۱۵) در خطبه‌ای از حضرت علی (رض) آمده است که می‌فرماید: «قرآن عزت‌یست برای کسی که ولایت آنرا بپذیرد.» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۹۸، ص ۳۱۵) همچنان به قول

یکی از محققان معاصر برتری و عزت امت را متناسب با میزان توجه و اعتنای آنها به قرآن می‌گوید. (<https://www.rslantext.com/Article.aspx?ID=۵۹۴>)

در خطبه‌ی تاریخی سید جمال الدین افغانی در مصر، وی بازگشت به قرآن را عنصر اصلی احیاء عزت و سعادت، و پشت کردن به آنرا، به منزله‌ی سقوط به ورطه‌ی ذلت بیان نموده است که راه نجات جوامع اسلامی را پیاده سازی آموزه های قرآن در زندگی (حسینی تهرانی، نور ملکوت قرآن، ۱۳۸۹ش: ۳/۱۵۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۹۷ش: ۱۴۴)

مقام معظم رهبری، تمسک به قرآن را زمینه‌ساز عزت، رفاه، پیشرفت، قدرت، و تأمین‌کننده‌ی سعادت دنیا و آخرت دانسته و همچنان ایشان، امت را توصیه به استفاده از عناصر مختلف عزت نموده که تمسک به قرآن و سنت، در رأس آنها قرار دارد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۶۰>) در بخش دیگری از بیانات ایشان آمده است که علت اصلی وضعیت ذلت بار بسیاری از جوامع اسلامی امروز و گذشته، ناشی از قرآن‌گریزی و پشت کردن به آموزه‌های عزت بخش آن می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۷۵۰۱>)

عدم پذیرش سلطه‌ی کفار (قاعده‌ی نفی سبیل)

یکی از مؤلفه‌های دیگر رسیدن به عزت اجتماعی، سلطه‌ستیزی علیه کفار یا قاعده‌ی نفی سبیل می‌باشد. در نظام فکری قرآن، موالات با کفار، و به ویژه پذیرش استیلا و سلطه‌ی آنها، از هر طریقی، نفی شده است. ازینرو جامعه‌ی اسلامی نباید تعاملی با کفار انجام دهد که زمینه‌ساز علو و حاکمیت غیر مسلمانان بر جامعه‌ی اسلامی را فراهم سازد. زیرا خدای متعال می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» - «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» (نساء: ۱۴۱)

خدای متعال عزت جامعه‌ی اسلامی را با نفی هرگونه راه سلطه‌گری کفار بر مسلمانان، تأمین فرموده است. (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ۲/۷۷۵) همچنان از آیه‌ی فوق برداشت می‌شود

که خدای متعال در هیچ زمینه‌ی فردی/اجتماعی و بین‌المللی، هرگز اجازه‌ی تسلط کفار بر مسلمانان را نمی‌دهد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ش: ۵۱ و ۵۵) زیرا در آیه‌ی فوق، کلمه‌ی «سبیل» نکره در سیاق نفی به کار رفته و افاده‌ی عموم را می‌کند. لذا «سبیل» مطلق ذکر شده و عموم راه‌ها اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و... را در بر می‌گیرد. (رشید رضا، ۱۴۱۴ق: ۵/۴۶۶؛ خمینی، ۱۴۱۰ق: ۲/۵۴۲)^۱

مبنی بر حکم قرآن، اگر فرد یا گروهی، دنبال عزت در سایه‌ی غیرمسلمانان باشد، آن جز عزتی دروغین و پوشالی نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۰/۲۴۱) علاوه بر آن، پذیرش سلطه‌ی کفار، به گونه‌ای روگردانی از پذیرش قدرت خداوند بوده و آن نوعی نفاق سیاسی تلقی می‌شود، که در واقع ناشی از نفاق عقیدتی می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی: ۱۳۸۶ش: ۴/۸۰؛ حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۳۰) نه تنها پذیرش سلطه‌ی کفار، که حتی ترجیح دوستی/موالات با آنها، نسبت به مسلمانان، به پنداز عزت‌یابی، مورد نکوهش قرآن قرار گرفته است؛ (نساء: ۱۳۹) دوستی با کفار نه تنها مایه‌ی عزت نیست، بلکه مایه‌ی ذلت نیز می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۲۰/۳۷۹)

البته در معنای «موالات» باید تصریح کرد که آن، دوستی ایست که مملو از محبت بوده و به سبب آن یک گروه، گروه دیگر را در سختی‌ها/مشکلات، کمک و پشتیبانی مالی/جانی می‌نماید، و آن غیر از پیمان‌ها و میثاق‌های امروزی در دنیای معاصر است. با عطف به معنای فوق، مسلمانان مکلف به دوستی میان خود شان (امت) هستند، و از موالات با کفار نهی شده‌اند، زیرا آن یکی از نقاط ضعف و مانع عزت جامعه‌ی اسلامی به‌شمار می‌رود. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۲۰/۳۷۹؛ جابر، ۱۴۳۰ق: ۲۸۴) قرطبی کسانی را که با کفار موالات دارند، از حزب خدا و اولیاء او بیرون دانسته است. (قرطبی: ۱۳۸۴ق: ۴/۵۷)

۱. جهت مطالعه‌ی بیشتر در تفسر این آیه، ر. ک: رحمانی، محمد، ۱۳۸۲ش، قاعده‌ی نفی سبیل از منظر

قرآن نه تنها سلطه‌ی کفار بر مسلمانان را مردود دانسته، بلکه حتی ارتباط / دوستی با آنهایی که در حق مسلمانان ظلم روا دانسته اند، را نیز نهی فرموده است. (ممتحنه: ۱؛ مائده: ۲۳؛ توبه: ۲۳) و نیز به این هم اکتفا نکرده، بلکه ضمن نهی صریح، آنانی را که با ظالمان / مستکبران و حامیان آنان، طرح دوستی بریزند، نیز در زمره‌ی ستمگران محسوب فرموده است. (ممتحنه: ۹) خلاصه اینکه، از منظر قرآن، جامعه‌ای که سلطه‌ی استکبار و غیر مسلمانان را بپذیرد، قرآن برای آن جامعه، هیچ‌گونه رفعت و عزتی قائل نیست. (حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۴۰)

لازم به ذکر است که با توجه به عزت‌های ظاهری / مادیگری، گاهی اوقات مشاهده‌ی استیلا و شوکت برخی از اربابان قدرت، باعث می‌شود دیگران تحت تاثیر آنها قرار گرفته، و آنرا قریب عزت بدانند؛ (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ۲/۸۴۵) و تلاش کنند تا با تقرب به آن دستگاه، خود را عزتمند بسازند، در حالی که آن، عزتی میان‌خالی و گذرا بیش نیست؛ چنانچه بنابر فرمایش قرآن، ساحران قبل از دیدن معجزه‌ی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و شناخت حق، خطاب به فرعون گفتند: «بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِبُونَ» «به عزت فرعون که ما حتماً پیروزیم.» (شعراء: ۴۴)

مقام معظم رهبری، سلطه‌پذیری را به معنای تسلیم شدن به استکبار و سپردن سرنوشت خویش به دست نیروهای زورگو دانسته، و در موارد متعدد، به شدت سلطه‌پذیری و سلطه‌گری را دو سویه، تقبیح و نفی نموده اند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21969>) همچنان با تاکید بر شکست سلطه‌ی مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های استکباری، به این باور اند که ملت‌ها وقتی عزت شان را از دست دادند، گرفتار مصائب شده و با نوکری دیگران، ارزش خویش را فراموش می‌کنند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19124>)

در بیانات ایشان تصریح و تاکید شده است که مستکبران با اعمال فشار، سعی می‌کنند تا مقاومت کشورها را بشکنند، و آنها را تحت سلطه‌ی خویش درآورده و منابع مالی و انسانی

آنها را غارت کنند. این نوع نظام‌ها دشمن ملتی اند که می‌خواهد عزتمند و پیشرفته شده و زیر بار سلطه‌گران نرود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3424>) به باور ایشان، راه دستیابی به عزت و توسعه، استقامت در برابر استکبار می‌باشد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2804>) همچنان راه مقابله با استکبار را پیروی از احکام و آموزه‌های اسلامی دانسته، که ملت‌های اسلامی می‌توانند به برکت آن، سلطه‌ی ظالمانه‌ی دولت‌های غربی را بشکنند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21969>)

وحدت/همگرایی/اخوت

اخوت و برادری بر محور خداآوری، یکی دیگر از اسباب و مؤلفه‌های عزتمندی جوامع اسلامی محسوب می‌شود. کم‌توجهی/تساهل مسلمانان در پابندی به این اصل قرآنی، یکی از علل انحطاط/تضعیف عزت اجتماعی مسلمانان به حساب می‌رود، که باعث فروپاشی اقتدار و حاکمیت آنان در جهان و شده، و حتی در ادوار مختلف باعث تسهیل مستعمره شدن بسیاری از ممالک اسلامی شده است. (مقدشی، ۲۰۱۷م، <https://ar.islamway.net/article/74626>) اگر اتحاد و اخوت واقعی میان مسلمانان برقرار باشد، هیچ گروه و قدرتی نمی‌تواند آنان را تحت سلطه‌ی خویش در آورده و یا به استثمار بکشد. به همین دلیل، قرآن کریم مؤمنین را با تاکید فراوان بر وحدت کلمه فراخوانده و از تفرقه و نزاع جدا برحذر داشته است. (انفال: ۴۶)

قرآن، مسلمانان را برادر همدیگر می‌خواند (حجرات: ۱۰)، همچنان امت اسلامی را بر پایه‌ی دین و کتاب واحد، به یکپارچگی دستور داده و آنرا نعمتی بزرگ بر آنها بیان می‌فرماید که باعث ایجاد الفت میان آنان شده است «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم

شدید.» (آل عمران: ۱۰۳)

جنگ زدن به ریسمان خدا، مایه‌ی نجات از ذلت و خواری می‌باشد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ» «آنها محکوم به ذلت و خواری هستند به هر کجا که یافت شوند، مگر اینکه به دین خدا و عهد مسلمین درآیند.» (آل عمران: ۱۱۲) همچنان خداوند متعال، همانگونه که اخوت و اتحاد را مایه‌ی عزت بیان فرموده است، نزاع و تفرقه را عنصر ضعف و ذلت معرفی نموده است؛ و مسلمانان را به صراحت از آن نهی می‌فرماید «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» «نزاع (وکشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (وشوکت) شما از میان نرود!» (انفال: ۴۶)

در منظومه‌ی فکری قرآن، نزاع و تفرقه به حدی مردود و زشت است که وقتی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ برادرش حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ را به دلیل گوساله‌پرستی بنی اسرائیل توبیح کرد، هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ با عطف به اهمیت و ترجیح وحدت قوم تا برگشت موسی، در پاسخ وی چنین گفت: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» - «من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (طه: ۹۴)

از مجموع آیات قرآن بر می‌آید که عزت و شکوه جامعه در گرو وحدت و اُلفت میان افراد آن است. خداوند عزت را به بندگانی می‌بخشد که این ویژگی میان‌شان بیشتر باشد، نه جامعه‌ای که به ظاهر منسجم، اما در اساس از هم پراکنده و متفرق اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۵ / ۳۷۴) چنانچه خدای متعال می‌فرماید: «تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى» «آنها را متحد می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است» (حشر: ۱۴)

مقام معظم رهبری وحدت و یکپارچگی مسلمانان را بیش از هر زمان دیگر، از نیازهای مبرم جوامع اسلامی دانسته، و آنرا مایه‌ی عزت و قدرت امت می‌داند. () <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39947>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3406>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3360> به باور ایشان، وحدت امت نه تنها مهم‌ترین مسئله‌ی امروز جهان اسلام

است، بلکه یک تکلیف شرعی بوده که عزتمندی جوامع اسلامی از آثار می باشد. سخن ایشان در این مورد برای جهان اسلام، الهام بخش است که در ذیل آنرا نقل می کنیم:

«امروز مهم ترین مسئله در دنیای اسلام وحدت است. اتحاد به سمت هدفها؛ هدف استقلال سیاسی، هدف استقرار مردم سالاری دینی، هدف پیاده کردن حکم الهی در جوامع اسلامی؛ اسلامی که دعوت به آزادی می کند، اسلامی که انسان ها را دعوت به عزت و شرف می کند؛ این امروز تکلیف است، این وظیفه است. نخبگان سیاسی هم باید بدانند عزت و شرف آنها با تکیه ی به مردم و آحاد ملتها است، نه با تکیه ی به بیگانگان، نه با تکیه ی به کسانی که از بُن دندان با جوامع اسلامی دشمنند...؛ اگر ملتها به خود بیایند، خود را ببندند، به خود تکیه کنند، با یکدیگر دست دوستی بدهند، این منطقه، منطقه ی برجسته و درخشانی خواهد شد و دنیای اسلام روی عزت و کرامت و آقایی را خواهد دید.» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۵۰۵۶>)

اقتدار (نظامی / اقتصادی / علمی / فرهنگی)

یکی دیگر از مؤلفه های عزتمندی، داشتن اقتدار است. اقتدار در عصر حاضر، تک بعدی نبوده و مختص به امور نظامی نیست، بلکه علاوه بر آن ابعاد اقتصادی، علمی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد. (<https://donya-e-eqtesad.com/۴-۸۶-۳۱۲۲۱۹۵۶۲/>)

قرآن کریم، مسلمانان را دستور می دهد تا تدابیر لازم را در این زمینه ها اتخاذ کنند، چنانچه می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید.» (توبه: ۶۰) در این آیه نکات ادبی و تفسیری ظریف ذیل پیرامون بحث حاضر نهفته است:

الف) در آیه ی فوق، «قوه» نکره به کار رفته که دلالت بر عموم می کند، و مصادیق آن

متنوع و بی‌شمار است. البته تجهیزات نیروی رزمی، بخشی از مصادیق آن محسوب می‌شود؛ لذا هر نوع دفاعی‌ای را شامل می‌گردد که طبق شرایط زمان و مکان باعث ایجاد قدرت بازدارندگی و تخویف دشمن بالقوه و بالفعل شود. (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=45225>)

ب) حرف «من» در عبارت «وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ» بعضیه است، و اسب آماده و رزمی، یکی از نمونه‌های تجهیزات نظامی طبق زمان نزول می‌باشد، نه یگانه مصداق آن. نتیجه این می‌شود که اگر آن نیرو به تنهایی قدرت بازدارندگی تهدید دشمن را نداشته باشد، لازم است به سایر امکانات نیز توجه گردد. مؤید این نظر، همچنان نکره بودن واژه‌ی «سبیل» در آیه‌ی نفی سبیل است که افاده‌ی عموم را می‌کند؛ و از آیه استفاده می‌شود که کافران از هیچ منظر - اعم از طرق سیاسی / فرهنگی / اقتصادی و یا علمی - نباید بر مؤمنان تسلط داشته باشند. لازمه‌ی این امر، انجام تدابیر پیش‌گیرانه با استفاده از اسباب فوق می‌باشد.

ج) عبارت (تُرْهَبُونَ بِعَدْوِ اللَّهِ وَعَدْوِكُمْ...) در آیه دلالت بر این نکته دارد که تجهیز نیرو باید جهت تخویف / هراساندن دشمن به کار رفته و جنبه‌ی بازدارندگی داشته باشد، نه جنبه‌ی تهاجمی و وسیله‌ی کشتار / سلطه‌گری، و لذا باید در جهت دفاع از امنیت مالی / جانی امت اسلامی و مستضعفان بکار گرفته شود.

یکی از محققان معاصر می‌گوید: «با آمادگی مسلمانان، دشمن دیگر جرئت حمله به کیان اسلامی را نخواهد داشت. تولید قدرت در کشورهای اسلامی، ضامن حفظ عزت و استقلال دنیای اسلام است.» (ارجینی، ۱۳۸۶ش: ۱۵۱)

مقام معظم رهبری، اقتدار ملی کشور را، مایه‌ی عزت و حفظ هویت آن جامعه می‌داند. (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3058>) از نظر ایشان اگر ملتی قدرت دفاع از خود را نداشته باشد، عزت او هم هیچ‌گونه تضمینی نخواهد داشت. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3311>) در جای دیگر تاکید می‌کنند که در دنیای مادی، آن ملتی از آسیب محفوظ می‌ماند که ثابت کند آماده‌ی دفاع از خود است.

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17868>)

چنانچه در بالا ذکر شد، اقتدار مخصوص نیروی رزمی نیست، بلکه توان اقتصادی، علمی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود و تا اینجا به بعد نظامی اشاره شد، اما سه عنوان بعدی، هر کدام طور جداگانه در زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

۱. ۶-۲) اقتدار اقتصادی

مراد از اقتدار اقتصادی، کاهش وابستگی (نه کاهش روابط اقتصادی و تجاری) به دنیای خارج، و شکوفایی اقتصادی مبتنی بر تولید داخلی و رسیدن به خودکفایی لازم می‌باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶ش: ۷۷) اقتصاد در قرآن از اهمیت ویژه برخوردار است. خداوند متعال در موارد متعدد آنرا فضل خویش نامیده و دستور به اکتساب رزق حلال فرموده است. (جمعه: ۱۰) همچنان از خوردن مال به باطل نهی فرموده، (بقره: ۱۸۸) ولی دادوستد حلال را جواز داده است. (بقره: ۲۷۵؛ ر.ک: حسینی کوهساری، ۱۳۹۱ش: ۷-۱۸) در روایات متعدد نیز بر اهمیت اقتصاد و تلاش مالی توجه جدی شده، تا جایی که کسب رزق حلال از اعمال انبیا خوانده شده و پیامبر ﷺ حشر تاجر راستگو را همجوار انبیا و راستگویان و شهدا بیان فرموده است. (ترمذی، ۱۹۹۸م: ۲/۵۰۶؛ کلینی، ۱۴۱۷ق: ۵/۷۶؛ پاینده، ۱۳۸۲ش: ۳۹۴)

لازم به ذکر است که آن ثروتی عزت‌آور است که طبق هدایت و فرامین خدا و پیامبر ﷺ در راستای سعادت و تکامل انسانی هزینه شود، چه بسا ثروت‌های هنگفت، مایه‌ی ذلت و خواری صاحبان آن در آخرت می‌باشد. (دخان: ۴۹) چنانچه به زعم مشرکان فقط ثروتمندان نزد خدا عزتمند اند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۲۰/۳۳۳) رمز عزتمندی از راه ثروت آنست که در عین حبی که انسان به ثروت دارد (زین للناس حب الشهوات من...) بخشی از آنرا در یاری مستمندان و نیازمندان و یا رفع نیازهای مخلوق خدا انفاق کند. (انسان: ۸؛ آل عمران: ۹۲) در روایات نیز آمده است که احساس بی‌نیازی از غیر، مایه‌ی عزت و شرف است. و وقتی در مورد مردم عادی اینگونه باشد، عدم نیازمندی به کفار، به طور اولی مایه‌ی

عزتمندی جامعه‌ی اسلامی خواهد بود. (فرهوش، ۱۳۹۶ش: ۲۰)

مقام معظم رهبری، اقتصاد محکم را مایه‌ی اقتدار دانسته و اقتصادی قوی و مطمئن را که جامعه متکی به خود بوده، از لوازم پیشرفت همه‌جانبه به شمار می‌آورد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۰۹۱>) به باور ایشان، اقتصاد نه تنها مایه‌ی عزت است، بلکه در امنیت، فرهنگ و حضور جهانی، و حتی در کاهش توطئه‌های دشمن نیز تاثیرگذار است. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۶۶>) همچنین تصریح می‌کنند که خفتی بزرگتر از وابستگی جامعه و جنایتی سنگین‌تر از وابسته ساختن جامعه برای مسئولان وجود ندارد، که از سوی آنها در حق یک ملت انجام شود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۹۳>)

۲. ۶- ۲) اقتدار علمی

در قرآن، میان علم و اقتدار رابطه‌ی تنگاتنگ وجود دارد، و در موارد متعدد به آن تذکر داده شده است. قرآن مقام دانشمندان را به بلند مرتبگی وصف می‌کند. (مجادله: ۱۱) همچنان‌گزینه‌ش طالوت را برای فرماندهی، تعلیل به توان علمی و جسمی وی می‌کند. (بقره: ۲۴۷) و نیز ذکر توان علمی در آیه مقدم بر توان جسمی، نشان از اهمیت و تقدم دانش دارد. (قرآنتی ۱۳۸۳: ۱/۳۹۲) همین‌طور استدلال حضرت یوسف بر احراز کرسی خزانهداری مصر، علم و امانت‌داری آمده است. (یوسف: ۵۵)

در قرآن آمده است که تخت بلقیس توسط یکی از درباریان حضرت سلیمان علیه السلام در مدت کمتر از یک چشم برهم زدن، فقط با قدرت دانش آن شخص انتقال یافت. (نمل: ۴۰) اقتدار علمی، در قرآن هدف و غایت نیست، بلکه ابزارییست که باعث ایجاد توانایی در دستیابی به هدف می‌شود؛ و ممکن است در دو جهت (اهداف نیک و سوء) به کار گرفته شود. اما مبتنی بر آموزه‌های قرآن، دانش وسیله‌ای برای اقتدار یک نظام مبتنی بر فرامین قرآن/اسلام باید در جهت سعادت بشر، به کار رود، تا مانع عدالتی/ستم شود. (رهبر و

حسین زاده، ۱۳۹۴ش: ۱۵۲)

به قول یکی از کارشناسان، علم بر همه چیز مقدم است، و آنچه موجب اقتدار می شود علم است. (<https://donya-e-eqtasad.com> / ۴ - ۸۶ - ۳۱۲۲۱۹۵۶۲) همچنان یکی از محققان به این باور است که اگر جامعه‌ی اسلامی به اقتدار علمی نرسد، عزت و اقتدار سیاسی آن در خطر می باشد. (ساجدی و دیگران، ۱۳۹۳ش: ۱۲۳)

مقام معظم رهبری، قدرت واقعی را قدرت علمی دانسته، و عزتمندی را مسلتم داشتن آن اقتدار می دانند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۱>) همچنان تلاش در راه علم را، یکی از عناصر عزتمندی توصیف نموده اند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۷۸۶۸>) ایشان، اقتدار علمی را زمینه‌ی رسیدن به عزت سیاسی و عزت اجتماعی جامعه دانسته، و تأکید می‌ورزند که با اقتدار علمی می‌توان توطئه‌های دشمن را بی‌اثر و کمزنگ ساخت. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4992>)

۳-۶-۲) اقتدار فرهنگی

یکی دیگر از ابعاد چهارگانه‌ی اقتدار، اقتدار فرهنگی است. فرهنگ مجموعه‌ای از دانش‌ها، بینش‌ها، منش‌ها، ارزش‌ها، آداب و سنن، نمادها و محصولات بوده که تاریخ و هویت یک ملت محسوب می‌شود، و آنرا از سایر ملل متمایز و منشأ پیوستگی آنان در یک فرآیند پایدار تاریخی و زمنیه‌ساز نظم، انسجام و پویایی ملل می‌گردد.» (نصرالله زاده و دیگران، ۱۳۹۴ش: ۴۰)

اقتدار فرهنگی در جامعه‌ی اسلامی زمانی ممکن است، که آن فرهنگ برگرفته از مبانی و آموزه‌های قرآن و سنت که مولد، پویا و الهام‌بخش است، باشد. (همان، ۴۱) وقتی این امر اتفاق بیفتد، جامعه از تاثیرپذیری فرهنگ غیر قرآنی مستقل و دارای اقتدار می‌گردد، طوری که دیگر فرهنگ غیراسلامی - به طور مستقیم و غیر مستقیم - بر آن قابل تحمیل نخواهد بود. (عباس نژاد و دیگران، ۱۳۸۴ش: ۱۶۹) البته پیش شرط تحقق وضعیت مطلوب، آگاهی آحاد

امت/ملت به ارزش های قرآنی/دینی بوده، که این امر سبب جاگزین و نهادینه ساختن ارزش های فرهنگ قرآنی بجای سنت های قبیله ای می باشد. (عادلی، ۱۳۹۱ش: ۲۵۶-۲۷۱)

قرآن منحیث آخرین نسخه ی هدایت الهی برای بشریت، فرهنگ ساز و فرهنگ سوز می باشد؛ فرهنگ ساز به این معنا که آموزه های آن منشأ ایجاد فرهنگ تمدنی بوده و صرف باورهای اعتقادی/فردی نیست، بلکه از ویژگی هایی مانند شمولیت و ابدیت و جامعیت برخوردار است که در تمام بخش های زندگی اعم از باورها، ارزش ها و رفتارها، ورود حکیمانه دارد، و یک برنامه ی منسجم، در اختیار انسان قرار می دهد. فرهنگ سوز به این معنا که باورها و رفتارهای جاهلیت و ضد توحیدی و منافی عزت را، مردود اعلام فرموده، و با ارائه ی بدیل یا تصحیح نادرستی ها، طرح فرهنگی مخصوص به خود را ارائه می دهد. (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۳ش: ۲۰)

جامعه ای که برخلاف مسیر هدایت قرآن حرکت کند، نمی توان آنرا متصف به فرهنگ قرآنی و دارای عزتی دانست که خداوند آنرا وعده داده است، ولو اینکه افراد آن جامعه خود را مسلمان بخوانند. بنابراین در واقع تطبیق کامل آموزه های قرآنی در ابعاد مختلف زندگی، پدیدآورنده ی فرهنگ اسلامی در آن جامعه می باشد، و آن زمان است که اجتماع مصداق عینی جامعه ی مؤمنین را به خود گرفته، و مشمول عزت الهی خواهند شد. (ن. ک: هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۵ش: ۵۳-۶۱؛ امام جمعه، ۱۳۸۳ش: ۳۶-۵۶)

مقام معظم رهبری یکی از مصادیق تجهیز نیرو در آیه ی (اعدوا لهم...) را، اقتدار فرهنگی می دانسته؛ (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=>۴۵۲۲۵) و اقتدار فرهنگی را یکی از مؤلفه های دستیابی جامعه به عزت و آبروی اجتماعی نزد جهانیان می داند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>۳۲۵۸۷)؛

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>۳۲۳۲)

از مجموع آیات قرآن، و همینطور بیانات مقام معظم رهبری، این نکته برداشت می شود که عزتمندی جامعه ی اسلامی در گرو اقتدار چهارگانه ی فوق می باشد. لذا جامعه تا در این

زمینه‌ها به اندازه‌ی کافی نیرومند و خودکفا نه‌شود، روی عزتمندی را در سطح ملی و بین‌المللی نخواهد دید، چون دنیا پر از دولت‌های سلطه‌طلب است که همیشه به فکر استثمار جوامع ضعیف‌اند و ضعف در عرصه‌های چهارگانه‌ی مذکور زمینه‌ی سلطه‌طلبی آنان را فراهم می‌کند؛ چنانچه متاسفانه چند قرن است که کشورهای اسلامی از این ناحیه متأثر و متضرر‌اند.

۲.۷) تقوای پیشگی

تقوا نیز از مؤلفه‌های دستیابی به عزت مؤمنانه است. عزت و کرامت انسان‌ها نزد خدای متعال، بستگی به میزان تقوای آنها دارد، و هر که تقوایش بیش، اکرام و عزت اش بیش «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳)

در روایات نیز به اهمیت تقوا و رابطه‌ی آن با عزت تاکید شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد با عزت‌ترین مردم باشد، تقوای الهی پیشه کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۰/۲۷) همچنان از حضرت علی (رض) روایت است که فرمود: «هیچ اکرامی عزیزتر از پرهیزگاری نیست». (کلینی، ۱۴۱۷ق: ۸/۱۹)

مقام معظم رهبری، تقوا را به پروا داشتن، مراقب بودن و ملاحظه کردن معنا نموده و آنرا تشبیه به راه امنی می‌کنند که در میان مسیرهایی پر از مین قرار داشته که در صورت انحراف، از خطر مصون نخواهیم بود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۵۱۲>) ایشان تقوا را به فردی و اجتماعی و سیاسی تفکیک نموده، و انجام واجبات و پرهیز از محرمات را فرع تقوا می‌دانند، نه کل تقوا. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۴۲۹>)

از نگاه معظم له، تقوای اجتماعی اعم از تقوای فردی بوده، و آن عبارت از تلاش برای تحقق آرمان‌هایی که اسلام از ما مطالبه دارد، می‌باشد؛ مانند: سعی در توسعه‌ی عدالت اجتماعی، حمایت از مظلومین/مستضعفین، نرفتن زیر بار ظلم، و سایر مواردی که مربوط به ارتقای مادی/معنوی جامعه و مردم می‌شود. (<https://farsi.khamenei.ir/speech->

همچنان <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۲۵۹content?id=۳۰۰۶۹> ایشان تقوا - و به ویژه تقوای اجتماعی را - از عوامل عزتمندی کشور دانسته و نسبت به آن تاکید جدی دارند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۴۱>)
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۷۰۳>

۲.۸) عمل‌گرایی / تلاش / فداکاری

هیچ تحول و دست‌آوردی بدون زحمت و تلاش بدست نمی‌آید. قرآن ضمن تاکید بر اراده‌ی قاطع و نیت، بر عمل‌گرایی / حرکت / شجاعت و فداکاری نیز تاکید دارد. عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» ده‌ها مرتبه در قرآن تکرار آمده است، که انجام عمل صالح را در کنار ایمان، شرط تحقق رستگاری و عزت، بیان می‌فرماید.

همچنان در روایات، عمل به ارکان دین، جزو ایمان بیان شده است؛ چنانچه پیامبر ﷺ فرموده است: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (بیهقی، ۱۴۱۰ق: ۱ / ۴۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش: ۵ / ۱۲۰)

مقام معظم رهبری در بیانات مختلف، به عمل‌گرایی تاکید فراوان نموده، و اکتفای صرف به اسم و گفتار را، مایه‌ی اسارت در پنجه‌ی طاغوت و استکبار می‌دانند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۷۴۳۵>) ایشان به این باور اند که جامعه با تنبلی و تن‌آسایی هرگز به عزت نمی‌رسد. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۳۰>) بر همین مبنا، دستیابی به عزت را جز از طریق تلاش و ابتکار، ممکن نمی‌دانند. (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۵>؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۰/۱۱/۱۹>)
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۸۹۸۹>

نمونه‌ای از سخن ایشان در این مورد چنین است: «آن ملتی به عزت و سربلندی دست پیدا می‌کند که با شجاعت وارد میدان بشود، کار را تعقیب کند و هزینه‌های آن را هم با رشادت تمام بپردازد» (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۲۷>)

برخی های به تعداد مؤلفه های بالا اکتفا نکرده، بلکه مواردی چون: امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، توکل، حاکمیت ارزش های اسلامی، قناعت، صبر، آخرت طلبی، صداقت، عفو، عبادت، گسترش عدالت، بردباری و کسب روزی حلال را نیز در زمره ی مؤلفه های اصل عزتمندی جامعه ی اسلامی برشمرده اند. (ن.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ش: ۱۵ / ۲۶۳؛ حق پناه، ۱۳۸۱ش: ۱۴۵ - ۱۵۳؛ جابر، ۱۴۳۰ق: ۲۷۹؛ حسینی، ۱۳۸۲ش: ۱۳ - ۱۹؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ش: ۲۰ / ۳۷۸؛ (مقدشی، ۲۰۱۷م، <https://ar.islamway.net/article/74626/>؛ امیرخانی، ۱۳۸۱ش: ۵۷ - ۵۸)

البته عناصر مذکور را نمی توان، مؤلفه ی عزتمندی شمرد، زیرا اکثر آنها ذیل عنوان های قبلی مانند تقوا و تمسک به قرآن و توحید و... جای می گیرد، و از زیرمجموعه /فروعات عناوین مذکور محسوب می شود. برخی دیگر هم یا جزو آثار و پیامدهای عزتمندی محسوب می شوند، و یا هم ارتباط شان در آیات قرآن با اصل عزتمندی جامعه به درستی روشن نیست، و بیشتر مستند به اخبار آحاد اند، که خارج از موضوع ما نحن فیه مقاله می باشد؛ زیرا در تحقیق حاضر تلاش بر این است تا بررسی موضوع از منظر قرآن و باکید بر بیانات و قرائت مقام معظم رهبری و تطبیق آن با آیات قرآن، مورد مطالعه قرار گیرد.

۴. نتیجه گیری

از مباحثی که گذشت، با عطف به سوال اصلی تحقیق، این نتیجه حاصل شد که مؤلفه های اساسی اصل عزتمندی جامعه ی اسلامی عبارت اند از: تقویت باورمندی و ایمان به حس اعتزاز، توحید باوری در روشنایی آیات قرآن کریم، تمسک به قرآن و سنت، عدم پذیرش سلطه ی کفار، تحکیم وحدت و همگرایی میان مسلمانان، داشتن اقتدار در ابعاد نظامی - اقتصادی - علمی و فرهنگی جامعه، و تقویت تقوای و تقوای اجتماعی. این مواردی است که قرآن کریم در آیات متعدد به آنها تاکید فرموده و بیانات مقام معظم رهبری نیز به وضوح تبیین شده است.

فهرست منابع:

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، ۱۳۸۳ش: اسوه، قم.
کتاب‌ها:
۱. ابن انس، مالک، ۱۴۲۵ق، الموطأ، ابوظبی، جلد ۵، چاپ اول، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهان للأعمال الخيرية و الانسانية.
 ۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، بی‌تا، المحکم و المحيط الاعظم، محقق: عبد الحمید هنداوای، بیروت، جلد ۱، چاپ اول، دارالکتب العلمیة.
 ۳. ابن فارس، احمد بن فارس، بی‌تا، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبد السلام محمد هارون، قم، جلد ۴، چاپ اول، مکتب الاعلام اسلامی.
 ۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ۱۳۷۴ش، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، قم، جلد ۵، چاپ اول، مؤسسه بعثت.
 ۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۴۱۰ق، شعب الایمان، بیروت، جلد ۱، چاپ اول، دارالکتب العلمیة.
 ۶. پاینده، ابو القاسم، ۱۳۸۲ش، نهج الفصاحه، تهران، چاپ چهارم، دنیای دانش.
 ۷. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۹۹۸م، سنن الترمذی، محقق: بشار عواد معروف، بیروت، جلد ۲، بی‌تا، دار الغرب الاسلامی.
 ۸. جابر، وائل بن محمد، ۱۴۳۰ق، العزة فی القرآن الکریم، مکه، پایان نامه ارشد دفاع شده در دانشگاه ام القرى مکه - دانشکده تفسیر و علوم قرآن.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم، چاپ اول، نشر اسراء.
 ۱۰. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶ش، قدرت و منافع ملی، تهران، چاپ اول، نشر جمالی.
 ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، محقق: مؤسسه آل البيت،

- قم، جلد ۲۷، چاپ اول، مؤسسه آل البيت.
۱۲. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، ۱۳۸۹ش، نور ملکوت قرآن، مشهد، جلد ۳، بی نا، انتشارات علامه طباطبایی.
۱۳. خمینی، روح الله موسوی، ۱۴۱۰ق، کتاب البیع، قم، جلد ۲، چاپ اول، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، چاپ اول، دار القلم.
۱۵. رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴ق، تفسیر المنار، بیروت، جلد ۵، چاپ اول، دار المعرفة.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۹۷ش، دیدگاه متفکران معاصر قرآنی، قم، چاپ دوم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۱۷. زمخشری، محمد بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، جلد ۲۲، چاپ سوم، دار الکتب العربی.
۱۸. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، محقق: صبح صالح، قم، چاپ اول، نشر هجرت.
۱۹. صدرالسادات، سید جلال و حسن شمس اسفندآباد، ۱۳۸۰ش، عزت نفس در افراد با نیازهای ویژه، تهران، چاپ اول، نشر سازمان بهزیستی کشور.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، جلد ۸، ۱۲، و ۱۷، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. عباس نژاد، محسن و دیگران، ۱۳۸۴ش، قرآن - مدیریت و علوم سیاسی، تهران، چاپ اول، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب = تفسیر الکبیر، بیروت، جلد ۲، ۴، ۲۶ و ۳۰، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی تا، العین، قم، جلد ۱، چاپ دوم، نشر هجرت.

۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، چاپ اول، جلد ۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۵. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۳۸۴ق، الجامع لاحکام القرآن = تفسیر القرطبی، قاهره، جلد ۴، چاپ دوم، دارالکتب المصریة.

۲۶. سید قطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، بیروت، جلد ۲، چاپ ۳۵، دار الشروق.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، جلد ۲، ۵ و ۸، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیة.

۲۸. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۳ش، اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.

۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶ش، تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۳۰. مصطفوی، حسن، بی تا، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت - قاهره - لندن، جلد ۸، چاپ سوم، دارالکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶ش، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، گردآوردندگان: جمعی از محققان، قم، جلد ۴، ۶، ۱۰ و ۲۰، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۳۲. -----، ۱۳۸۳ش، فرهنگ قرآن، قم، جلد ۲۰ و ۲۲، چاپ دوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مقالات:

۳۳. ارجینی، حسین، ۱۳۸۶ش، نفی سلطه‌پذیری در سیاست خارجی دولت اسلامی، مجله تخصصی فقه و اصول، شماره ۳، ص ۱۴۹-۱۶۱.

۳۴. امام جمعه، فرهاد، ۱۳۸۳ش، آموزه‌های فرهنگ‌شناسی در قرآن کریم، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۳۳ و ۳۴، ص ۳۵-۵۹.

۳۵. امیرخانی، علی، ۱۳۸۱ش، عزت و افتخار حسینی، فصلنامه صباح، شماره ۳۴، ص ۵۵-۷۱.
۳۶. حسینی کوهساری، سید مفید، ۱۳۹۱ش، اعجاز اقتصادی قرآن کریم، تهران، اولین همایش اعجاز قرآن.
۳۷. حسینی، سید جواد، ۱۳۸۲ش، عوامل عزت در روایات معصومین، مجله مبلغان، فروردین ۱۳۸۲ش، شماره ۳۹، ص ۸-۲۰.
۳۸. حق پناه، رضا، ۱۳۸۱ش، عزت از منظر قرآن و سنت، مجله الهیات و حقوق، شماره ۴ و ۵، ص ۱۲۸-۱۵.
۳۹. رحمانی، محمد، ۱۳۸۲ش، قاعده نفی سبیل از منظر فریقین، مجله طلوع، سال دوم - شماره ۶، ص ۱-۲۸.
۴۰. رهبر، فرهاد و حسن حسین زاده، ۱۳۹۴ش، تبیین ارتباط اقتدار و مرجعیت علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران در جهان با اقتدار و امنیت ملی براساس مبانی انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۱۲، ص ۱۳۷-۱۶۲.
۴۱. ساجدی، اکبر و دیگران، ۱۳۹۳ش، اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۷، ص ۱۱۹-۱۴۰.
۴۲. عادل، محمد صادق، ۱۳۹۱ش، گذر از فرهنگ قبیله ای به سوی فرهنگ ملی و اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی بلاغ، شماره ۳۸ و ۳۹، ص ۲۴۳-۲۷۲.
۴۳. فرهوش، محمد و دیگران، ۱۳۹۶ش، جایگاه و مؤلفه های عزت نفس در قرآن و روایات، مجله معرفت، سال بیست و ششم، شماره ۲۳۹، ص ۱۳-۲۴.
۴۴. نصرالله زاده، محمد جواد و دیگران، ۱۳۹۴ش، راهبردهای نیل به اقتدار فرهنگی به مثابه اقتدار حقیقی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۳۵-۶۸.
۴۵. هاشمی علی آبادی، سید احمد، ۱۳۹۵ش، شاخصه های فرهنگ اسلامی در نگاه

قرآن، مجله مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره اول - شماره ۲، صص ۵۰ - ۶۴.

پایگاه‌های اینترنتی:

۴۶. امام خامنه‌ای، سید علی، بیانات و سخنرانی‌ها در مناسبت‌های مختلف،

پایگاه رسمی مقام معظم رهبری،

<https://farsi.khamenei.ir/> . ۴۷

۴۸. رسلان، محمد بن سعید، بی‌تا، الموعظة التاسعة عشرة: «القرآن سبيل النصره و

العزة للامة»،

<https://www.rslantext.com/Article.aspx?ID=۵۹۴> . ۴۹

۵۰. محمد قطب، ۱۳۹۰ش، جامعه‌ی اسلامی چگونه جامعه‌ی ای است، مترجم: احمد

حکیمی،

<http://eslahe.com/2905> . ۵۱

۵۲. مقدشی، عبدالفتاح بن آدم، ۲۰۱۷م، من الاسباب المهمة لحصول العزة

للمسلمين، پایگاه طریق اسلام،

<https://ar.islamway.net/article/۷۴۶۲۶> . ۵۳

۵۴. منصورى، عباسعلى، ۱۳۹۵ش، مؤلفه‌های اقتدار هر کشور چیست؟، سایت

دنیای اقتصاد،

<https://donya-e-eqtesad.com/۳122195۶۲-۸۶-۴/> . ۵۵